

راهکارهای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در نظام آموزش عالی کشور (با تأکید بر دانشگاه آزاد اسلامی)

سیدعلی طباطبایی*

چکیده

روابط بین‌المللی در ابتدای هزاره سوم، بیش از پیش پیچیده و در هم تنیده شده است و سطوح روابط بین‌المللی نیز در تمامی نقاط جهان از هم تأثیر می‌پذیرند و بر هم تأثیر می‌گذارند. در این میان مهم این است که بدون همکاری‌های بین‌المللی، بسیاری از دستاوردهای بین‌المللی چه در گذشته و چه در حال دست‌یافتنی نبود. همکاری‌های بین‌المللی تا آن حد در آموزش عالی در سطح جهان نهادینه شده که در بیشتر مراکز آموزش عالی در سطح جهان، بخش‌های ویژه‌ای در این خصوص فعال هستند و یکی از شاخص‌های کارآمدی دانشگاه‌های دولتی و خصوصی در سطح جهان، شکل و محتوای همکاری‌های بین‌المللی است.

با توجه به جایگاه ویژه آموزش عالی در توسعه ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فناوری‌های مربوط، موضوع همکاری‌های علمی بین‌المللی در کشورهای جهان دارای اهمیت راهبردی فراوانی است. تحقیق حاضر در جستجوی روشن کردن وضع موجود و چگونگی ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در نظام آموزش عالی ایران می‌باشد.

واژگان کلیدی

راهکارهای ارتقای آموزش عالی، همکاری‌های بین‌المللی، نظام آموزش عالی، دانشگاه دولتی، دانشگاه آزاد

* استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی Email: s_ali_tabatabaee@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۲۸

تاریخ ارسال: ۹۲/۵/۱۸

فصلنامه راهبرد/سال بیست و دوم/شماره ۶۹/ زمستان ۱۳۹۲/ صص ۲۴۵ - ۲۱۵

جستار گشایی

«فرصت‌های بین‌المللی» به ویژه در آموزش عالی به شکل روز افزونی مورد استفاده بخش دولتی و خصوصی قرار می‌گیرند. بخش دولتی آموزش عالی از یک سو و بخش خصوصی آموزش عالی از سوی دیگر همواره به دنبال شناسایی، ایجاد ارتباط و استفاده از فرصت بین‌المللی در چارچوب همکاری‌های بین‌المللی هستند.

همکاری‌های بین‌المللی تا آن حد در آموزش عالی در سطح جهان نهادینه شده، که در بیشتر مراکز آموزش عالی بخش‌های ویژه‌ای در این خصوص فعال هستند و یکی از شاخص‌های کارآمدی دانشگاه‌های دولتی و خصوصی در سطح جهان، شکل و محتوای همکاری‌های بین‌المللی می‌باشد.

هرساله دانشگاه‌های دولتی و خصوصی با ارائه گزارش‌های مربوط به همکاری‌های بین‌المللی خود و استفاده از فرصت‌های بین‌المللی سعی می‌کنند کارآمدی و کارایی خود را در سطح ملی و بین‌المللی به نمایش گذارند و هر دانشگاه دولتی و خصوصی که توانسته باشد همکاری‌های بین‌المللی بیشتری را طراحی و اجرا کند، اعتبار، کارایی و کارآمدی بیشتری خواهد داشت.

بسیاری از دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی و شرکت‌های خصوصی با استفاده از این آمار و ارقام، شدت و دامنه روابط خود را با نهادهای آموزش عالی دیگر کشورهای جهان تنظیم می‌کنند.

برای نهادهای آموزش عالی کشورهای جهان، چه آموزش‌های دولتی و چه آموزش عالی خصوصی، فرصت استفاده از همکاری‌های بین‌المللی وجود دارد. استفاده از همکاری‌های بین‌المللی برای مراکز آموزش عالی، نه فقط به موضوع «توسعه» نهاد آموزش عالی، بلکه به پدیده «جهانی‌شدن آموزش عالی» که یکی از روندهای مسلط در حوزه آموزش عالی است، مرتبط می‌گردد که مراکز آموزش عالی کشورها چه دولتی و چه خصوصی نمی‌توانند نسبت به آن بی‌تفاوت باشند.

یکی از بخش‌های مهم همکاری‌های بین‌المللی «بخش آموزش عالی» است. آموزش عالی که متولی «تولید دانش و دانشمند» در درون کشورهاست، هم بنابر ماهیت وجودی خویش و هم متأثر از فرآیند جهانی‌شدن، ناگزیر از دادوستد علمی و بده‌بستان بین‌المللی است که ضمن ارسال یافته‌های خویش، از دستاوردهای دیگر کشورها و دیگر مجموعه‌های علمی بهره‌مند

بین‌المللی در آموزش عالی ایران با نگاه خاص به دانشگاه آزاد اسلامی و کار ویژه‌های این دانشگاه به ارتقای افقی و عمودی سطح تعاملات علمی بین‌المللی در آموزش عالی کشور به ویژه دانشگاه آزاد اسلامی کمک نماید.

سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چه راهکارهایی برای ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در آموزش عالی کشور با رویکرد به دانشگاه آزاد اسلامی وجود دارد؟

۱. آموزش عالی در عصر جهانی شدن

جهانی شدن به عنوان روند اصلی نظام بین‌المللی تمام عرصه‌های زندگی بشری را از خود متأثر کرده است و همه زندگی انسانی لحظه به لحظه بیشتر از آن تأثیر می‌پذیرد. نهاد آموزش عالی در پرتو جهانی شدن، اعتبار و نفوذ بیشتری یافته است. جهانی شدن، انقلاب اطلاعات و ارتباطات و فناوری‌های نوین موجب شده است که نظام آموزش عالی و ایده‌ها و اهداف آن در تمامی کشورهای دنیا گسترده شود و دارای ثبات و قدرت بیشتری گردند.

با ظهور و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و شکل‌گیری «جامعه مبتنی بر دانش» تحولاتی اساسی در عرصه دانشگاه‌ها

شوند تا این روند تکاملی به پیش رود. این دادوستد علمی یا بده‌بستان بین‌المللی که در پژوهش حاضر با عنوان «همکاری علمی بین‌المللی» مورد بحث قرار می‌گیرد، موضوع بسیار مهم در بخش آموزش عالی است که تحقق بهینه و بهنگام آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

پژوهش حاضر با درک نیاز اساسی به ارتقای کمی و کیفی همکاری‌های علمی بین‌المللی در آموزش عالی، در جستجوی راهکارهایی خواهد بود که این همکاری‌های علمی را به سطح مطلوب و شایسته خود برساند.

با توجه به جایگاه ویژه آموزش عالی در توسعه ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فناوری‌های مرتبط، موضوع همکاری‌های علمی بین‌المللی در این مقوله اهمیت راهبردی فراوان دارد. در آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی به منزله بزرگ‌ترین دانشگاه حضوری غیر دولتی در سطح جهانی، نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که بسیاری از فرهیختگان علمی و مقامات اجرایی کشور، دانش‌آموخته این نهاد آموزش عالی می‌باشند. بر این مبنا، انجام تحقیق حاضر می‌تواند به روشن شدن چگونگی ارتقای همکاری‌های علمی

به وجود آمده است. این تحولات، ابتدا از محیط اجتماعی، با شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای که اطلاعات عنصر اساسی آن است، آغاز می‌شود. سپس نظام تولید دانش دستخوش تحول می‌شود و در نهایت، ساختار و محتوای دانشگاه سنتی را درهم می‌پیچد. برخی صاحب‌نظران از این سه تحول با عنوان سه انقلاب یاد کرده‌اند (Scott, 2000, pp.360-361).

دیگران به بحران‌ها و چالش‌هایی اشاره کرده‌اند که در نتیجه‌ی تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بر نهاد دانشگاه تحمیل شده است. فیشمن به سه چالش مختص دوران گذار از دانشگاه سنتی به دانشگاه جدید، توجه کرده است: بحران اقتدار، بحران مشروعیت و بحران نهادی. علاوه بر این موارد، دانشگاه سنتی به دلیل ظهور بحران‌های دیگر در آستانه تغییر و تحول است: بحران کمیت، بحران کیفیت و بحران مالی (Fischman and Stromquist, 1996, pp.240-245).

جهانی‌شدن، نظام آموزشی را متحول ساخت، زیرا امکان انتقال سریع‌تر و مقرون به صرفه‌تر اطلاعات، بیشتر و گسترده‌تر شد. این پیشرفت‌ها مستلزم تغییر موقعیت و جایگاه دانشگاه خواهد بود. از آنجا که دانشگاه‌ها به

طور سنتی رشته‌های دانشگاهی را تنها به صورت منطقه‌ای در اختیار دانشجویان خود قرار داده‌اند، آنها از نوعی حق انحصاری منطقه‌ای برخوردار بوده‌اند. اما همان‌طور که تجربه نشان می‌دهد، با حضور نهضت جهانی‌شدن، حقوق انحصاری منطقه‌ای را تجربه خواهند کرد. برخی این موضوع را نوعی تهدید تلقی می‌کنند و برخی آن را فرصت جدیدی می‌دانند که برای دانشگاه‌ها این امکان را فراهم می‌آورد تا از تنش منطقه‌ای خود پا فراتر گذارند (ویر، ۱۳۸۰، صص ۶-۷).

امروزه دانشگاه‌ها نقش بسیار مهمی در پیشرفت و توسعه جوامع ایفا می‌کنند. دانشگاه‌ها صرفاً سازمان‌هایی مادی نیستند (یمنی دوزی سرخابی، ۱۳۸۰، ص ۱). دانشگاه باید بتواند با توجه به تغییرات محیط، تغییراتی را در خود ایجاد کند تا اختلال جدی در کارکرد خود و نیز در کارکردهای نظام‌های پیرامونی به وجود نیآورد (یمنی دوزی سرخابی، ۱۳۸۰، ص ۲). دانشگاه همچون یک سیستم باز است که با محیط خود ارتباط دارد. در این ارتباط جریان‌های تبدیلی وجود دارند (یمنی دوزی سرخابی، ۱۳۸۰، ص ۹). محیط سیستم دانشگاه را می‌توان در سه سطح منطقه‌ای،

ملی و بین‌المللی تصور نمود. محیط بین‌المللی شامل دانشگاه‌ها یا سازمان‌های کشورهای دیگر یا بین‌المللی است. ورودی‌ها و خروجی‌های سیستم دانشگاه می‌توانند با این محیط‌ها ارتباط فعال داشته باشند یا به صورت منفعل عمل کنند (یمنی دوزی سرخابی، ۱۳۸۰، صص ۱۱-۱۰).

گرایش کشورهای به استقبال از جهانی‌شدن همراه با توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، رویکردها و ابزارهای قدرتمندی را برای ایجاد شبکه‌های جهانی آموزشی و پژوهشی ایجاد کرده است (Abel et al., 2007). فعالیت دانشگاه‌ها در عصر جهانی‌شدن مأموریت‌های انحصاری تولید دانش را تحت‌الشعاع قرار داده و دانشگاه‌ها را به بنگاه‌های خدماتی برای حل مشکلات منطقه‌ای، ملی و جهانی تبدیل کرده است. هم‌اکنون دانشگاه‌ها برای جهانی‌شدن مؤسسات خود سرمایه‌گذاری رو به رشدی را انجام می‌دهند (McCarty, 2007, p.65). درک اهمیت نقش آموزش عالی می‌تواند قابلیت کشور را در برابر سایر کشورها افزایش دهد. چالش‌های فراروی چشم‌اندازهای دور و نزدیک در ارتباط با این نهاد اجتماعی، توجیهی کافی برای تجدید نظر در سیاست‌های مربوط به آن در قرن ۲۱

محسوب می‌شود (آراسته و دیگران، ۱۳۸۷، صص ۴۸). دانشگاه به عنوان اصلی‌ترین نهاد توسعه‌دهنده منابع انسانی تخصصی در مسیر دستیابی به توسعه پایدار مبتنی بر ملاحظات جهانی‌شدن، نقش حساسی را بر عهده دارد. از این رو، ضرورت بررسی چگونگی گسترش کمی و کیفی فرصت‌های آموزشی در آن انکارناپذیر است (Balderston, 2000, pp.260-261). جهانی‌شدن همه ابعاد فرهنگی-اجتماعی جوامع از جمله آموزش عالی را متأثر می‌سازد که این حوزه نیز در درون خود با وجوه متعددی از تأثیرات جهانی‌شدن در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، علمی و فرهنگی مواجه است (Marber, 1998, p.106). تأثیرات پدیده‌ی جهانی‌شدن بر نظام آموزش عالی موضوعات مختلفی را شامل می‌شود، اما با نگاهی جامع به ابعاد مختلف نظام آموزش عالی می‌توان به اختصار به محورهایی چون محتوای درسی، توانمندی استادان، روش‌های تدریس، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، منابع علمی و فضای فیزیکی دانشگاه‌ها اشاره کرد. شایسته است این محورها با نگاهی بین‌المللی مورد ارزیابی قرار گیرند تا به مرور بتوانند به حد

استانداردهای جهانی برسند و متناسب با آنها ایفای نقش کنند.

افزون بر این، با توجه به تعمیق فرآیند جهانی‌شدن و ورود اجتناب‌ناپذیر به این عرصه، لازم است زمینه استقبال از این پدیده فراهم شود. آموزش عالی با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های موجود می‌تواند برای ساماندهی خود در فضای جهانی‌شدن، متناسب با اهداف مصوب، اقدام کند و به رویارویی با محدودیت‌ها و مسائل کنونی بپردازد. شرط تحقق این امر آمادگی برای رقابت با دیگر اندیشه‌های مدعی این امر و بازخوانی مستمر آرمان‌های بومی و اجرایی کردن آنها در تعامل و همکاری سازنده با همه عناصر موجود و از جمله دانشجویان است (آراسته و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۴۹).

شرایط کنونی جهانی در حوزه آموزش عالی توجه به شاخص‌های کیفی جامع‌تری را برای بهبود اجتناب‌ناپذیر ساخته است. به عبارت دیگر، چنانچه دانشگاه بخواهد در عصر جهانی‌شدن به خوبی عمل کند، توجه بیشتر به محورهایی چون محتوای درسی، توانمندی استادان، روش‌های تدریس، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، منابع علمی و فضای فیزیکی دانشگاه‌ها با نگاهی بین‌المللی

ضروری است (آراسته و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۴۹).

به هر حال، همان‌گونه که بسیاری از اندیشه‌پردازان این قلمرو تأکید می‌کنند، بدون داشتن فهم درست و روشنی از این مفاهیم (جهانی‌شدن - بین‌المللی‌شدن آموزش عالی) نمی‌توان به بررسی آثار و پیامدهای مفهومی گنگ و در نتیجه، کنشی مناسب در قلمرو آن پرداخت. موک برای برخورداری از فهم روشن و درست از این مفاهیم و سپس، ورود به عرصه کنش، پرسش‌های زیر را مطرح می‌کند:

- آموزش عالی باید به سود چه کسی بین‌المللی شود؟

- آموزش عالی برای چه هدفی بین‌المللی شود؟

- چرا بین‌المللی‌شدن باید دستور کار اصلی دانشگاه معاصر قرار گیرد؟

- آیا بین‌المللی‌شدن برای دانشجویان و سایر ذی‌نفعان جامعه اهمیت دارد؟

- هدف وجودی دانشگاه‌های کنونی چیست؟

- ما چه نوع آموزش دانشگاهی را باید باور داشته باشیم و خود را نسبت به آن متعهد بدانیم؟ (Mok, 2007, p.437)

تخصص حد و مرزی نمی‌شناسد و در نتیجه، دانشگاه‌ها به طور اجتناب‌ناپذیر، مؤسسات بین‌المللی محسوب می‌شوند (فتحی و اجارگاه و دیگران، ۱۳۸۸، صص ۶۴-۶۳).

امروزه از مهم‌ترین اهداف دانشگاه‌ها، بین‌المللی‌سازی برنامه درسی و از دیدگاه بعضی از صاحب‌نظران اصلی‌ترین عنصر بین‌المللی‌سازی دانشگاه‌ها برنامه‌ریزی درسی است. دانشکده به عنوان مهم‌ترین رکن در اصلاح برنامه تجدیدنظر در برنامه‌ها و بهبود آموزش در آنها، اصولاً به عنوان محرک اصلی تلاش‌ها در زمینه بین‌المللی‌سازی تدریس شناسایی شده است (Navarro, 2004, p.3).

برای بین‌المللی‌کردن برنامه درسی در آموزش عالی توجه به نکات زیر ضروری است:

- تلاش در جهت توسعه برنامه‌های درسی به نحوی که ضرورت‌های محلی، ملی و بین‌المللی تأمین شود.

- توجه به اهمیت فزاینده ارتباطات، بیان و گفتمان به یک یا چند زبان زنده خارجی.

- تضعیف قالب‌های سیاست ملی برای قانون‌گذاری که دانشگاه‌ها گرفتار آن هستند (فتحی و اجارگاه و دیگران، ۱۳۸۸، صص ۶۶-۶۵).

واقعیت این است که به رغم فشار زیاد برای بین‌المللی‌شدن آموزش عالی هنوز مفهوم‌سازی مشترک و یکسانی در این زمینه شکل نگرفته است. نایت به درستی در این زمینه می‌نویسد: «ملت‌های مختلف درک و معانی مختلفی از بین‌المللی‌شدن آموزش دارند و در هم آمیختگی بسیاری درباره مفهوم آن وجود دارد» (Knight, 2004, p.5).

امروزه بی‌تردید جهانی‌شدن و گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در سراسر جهان، به ویژه در جوامع دانایی‌محور، اشتیاق فراوانی را برای توسعه آموزش عالی و دسترس قرار دادن فرصت‌های یادگیری مداوم ایجاد کرده است. گسترش مبادلات بین‌المللی و دسترسی آسان‌تر به مردمان جوامع مختلف در سایه پیشرفت علمی و فناوری، مفهوم مرزهای جغرافیایی و محصور بودن به یک مکان معین را به چالش کشیده و نظام‌های آموزشی را با مفهوم شهروند جهانی و مقید بودن به توسعه و بهسازی این شهروندان در جای‌جای دنیا آشنا ساخته است.

به قول اسکات، توسعه روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و برقراری تله‌کنفرانس‌های بین‌قاره‌ای و ماهیت دانش به طور کلی نشان‌دهنده آن است که علم و

- توجه بیشتر به مفهوم ثبت نام در آموزش فراملی (چند ملیتی) در برنامه‌های درسی و فرایندهای تدریس و یادگیری (De Wit, 2001, p.6).

- قرار دادن دانشجویان وطنی در کنار خارجی‌ها و تشویق رویکرد اجتماعی به زندگی مشترک.

همچنین بین‌المللی‌سازی یادگیری دانشجویان و استادان از یکدیگر، تأمین نیازهای دانشجویان محلی و خارجی ایجاد وابستگی میان دانشجویان، به‌کارگیری فعالیت‌های فرهنگی، دسترسی به منابع متنوع یادگیری و تدریس و ارائه دوره‌های آموزشی کیفی در سطوح بین‌المللی را در بر می‌گیرد. در فرایند بین‌المللی‌شدن فقط دانشگاه‌ها به موضوع ثبت نام دانشجویان بین‌المللی پرداخته نمی‌شود و هدف اصلی پرورش دانش‌آموختگانی مستعد است که بتوانند مسائل گوناگون را در مکان‌های با حساسیت محیطی و فرهنگی متفاوت حل کنند (Caruuna and Honstock, 2003, p.4).

دلایل متعددی برای بحث در زمینه بین‌المللی‌سازی آموزش عالی وجود دارد که شامل دلایل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، حرفه‌ای، علمی و پژوهشی،

مهارت‌های میان‌فرهنگی، چندزبانگی و تغییر نگرش‌ها می‌شود.

از بعد سیاسی می‌توان به انگیزه سیاسی حاکمان و سیاستمداران در پیوستن به اقتصاد و جامعه جهانی و باز شدن به سوی دنیا اشاره کرد. با روی کار آمدن ایالات متحده آمریکا به عنوان یک قدرت بین‌المللی بعد از جنگ جهانی دوم، دلایل سیاسی بعد جدیدی به خود گرفت و با حرکت به سمت حفظ و گسترش تأثیرات سیاسی آمریکا، دانش دیگر فرهنگ‌ها، زبان‌ها و نظام‌ها اهمیت بسیاری یافت و توسعه‌ی مطالعات منطقه‌ای، کارآموزی زبان خارجی و مطالعه برنامه‌های خارج از کشور در دانشگاه‌های ایالات متحده به شکل اساسی برانگیخته شد. این دیدگاه خوش‌بینانه به آموزش عالی به عنوان عاملی مؤثر برای صلح در سیاست‌های آمریکا در نظر گرفته شد و آموزش عالی در ۵۰ سال گذشته حمایت‌های بسیاری را از هر نظر کسب کرد (De Wit, 1999, p.4).

از بعد اقتصادی، می‌توان به ارزش آموزش عالی بین‌المللی در پرورش نیروی کار قادر و توانا به انجام دادن فعالیت در زمینه‌های بین فرهنگی و بین‌المللی اشاره کرد. دلایل اقتصادی به عنوان نیروی محرک برنامه‌های اروپایی برای همکاری و مبادله در

می‌شود. در این راستا برای آنکه بتوان تمامی متغیرهای مربوط در موضوع همکاری‌های بین‌المللی را مورد بررسی قرار داد، موضوع در سه سطح راهکار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سطح اول، راهکارهای کلان یا جهت‌گیری‌های سیاست‌گذارانه است. این سطح مرتبط با سیاست‌گذاری‌های کلان نهادهای تصمیم‌ساز، تصمیم‌گیر و هدایت‌کننده کشور می‌باشد.

سطح دوم، راهکارهای میان‌برد یا ایجاد رویکرد بین‌المللی در آموزش عالی است. در این سطح به اقدامات نهاد آموزش عالی دولتی و آزاد برای ارتقای همکاری‌های بین‌المللی پرداخته می‌شود.

در سطح سوم یا سطح خرد، به اقدامات اجرایی دانشگاهی در دانشگاه‌های دولتی و آزاد پرداخته می‌شود. با انجام راهکارهایی که در این سه سطح ارائه می‌شود، آموزش عالی ایران در دو بخش دولتی و آزاد خواهد توانست سطح همکاری‌های علمی بین‌المللی خود را ارتقا دهد.

۱-۲. راهکار کلان: جهت‌گیری سیاست‌گذارانه^۱

راهکار کلان یا جهت‌گیری‌های سیاست‌گذارانه به دنبال بحث و بررسی و ارائه

پژوهش، فناوری و آموزش در نظر گرفته می‌شود و در خصوص تأکید بیشتر بر اقتصاد به جای سیاست می‌توان به مطالعه‌ای که در سال ۱۹۹۷ با عنوان «سیاست‌های ملی برای بین‌المللی‌شدن آموزش عالی در اروپا» توسط مؤسسه ملی سوئد تهیه شده است، اشاره کرد. همچنین در کشورهای اسکاندیناوی، استرالیا، آلمان، انگلستان، هلند، اروپای مرکزی و شرقی گرایش به تغییر عوامل سیاسی، فرهنگی و آموزشی در جهت عوامل اقتصادی در امر بین‌المللی‌شدن به چشم می‌خورد (De Wit, 1999, p.4). در سطح سازمانی به نقش آموزش عالی بین‌المللی به عنوان راه‌حلی در ارتباط با امور مالی و از بعد آکادمیک در افزایش و بهبود رشد کیفی نظام آموزش عالی و از بعد فرهنگی، اجتماعی به نقش آن در افزایش اطلاعات چند فرهنگی و ادراک پدیده‌های مختلف اجتماعی، ملی و جهانی می‌توان اشاره کرد (فتحی واجارگاه و دیگران، ۱۳۸۸، صص ۶۶-۶۷).

۲. راهکارهای ارتقای همکاری‌های علمی و بین‌المللی در نظام آموزش عالی کشور

در این بخش به موضوع راهکارهای ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در آموزش عالی دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی پرداخته

راهکارهای کلانی است که مرتبط با سیاست‌گذاری‌های کلان نهادهای تصمیم‌ساز، تصمیم‌گیر و هدایت‌کننده کشور است. این راهکارها از آن جهت دارای اهمیت هستند که به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر شرایط کلی آموزش عالی کشور تأثیر می‌گذارد و می‌تواند بسترساز و زمینه‌ساز گسترش همکاری‌های علمی بین‌المللی در آموزش عالی و نهادینه‌شدن آن در نظام آموزش عالی دولتی و خصوصی باشد. در چارچوب راهکار کلان، موضوع ارتقای همکاری‌های بین‌المللی از دو جهت مورد بحث قرار می‌گیرد.

الف) تغییر نگرش

اولین و شاید مهم‌ترین موضوع کلان در آموزش عالی، تغییر نگرش در آموزش عالی می‌باشد. تا زمانی که نگاه به آموزش عالی، محدود، تقلیل‌گرا، کوتاه‌مدت و متأثر از برآیند توانمندی‌های علمی و بین‌المللی کشور نباشد، آموزش عالی کشور نخواهد توانست به جایگاه شایسته خود در آموزش عالی جهانی برسد. در این راستا بایستی سه تغییر در نگرش کلان کشور صورت گیرد. تغییر نگرش کلان مستلزم تغییر در سه نگاه در آموزش عالی می‌باشد. با انجام این تغییرات، نگرش

آموزش عالی به سوی بین‌المللی‌شدن بیشتر حرکت می‌کند.

نگاه بین‌المللی. در دنیای جهانی‌شده، وابستگی متقابل چندسطحی و منافع پیچیده و در هم تنیده شده بازیگران دولتی و غیر دولتی و نهادهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی را نمی‌توان با نگاه‌های محلی و بومی به کنش بهینه بررسی کرد. در دنیای امروز منافع علمی فراتر از مرزهای بین‌المللی تعریف می‌شود و بدون آنکه درک عمیق و دقیقی از مناسبات و تعاملات بین‌المللی به ویژه ارتباطات بین‌المللی علمی در کشور وجود داشته باشد، منافع علمی کشور متحقق گردد.

نگاه بین‌المللی با نگاه ملی در موضوع همکاری‌های بین‌المللی کامل می‌شود و به نتیجه می‌رسد و پیامد آن تحقق اهداف ملی در حوزه آموزش عالی است. به دست آوردن نگاه بین‌المللی به معنای از دست دادن نگاه ملی و دستاوردهای ملی نیست، بلکه تکمیل‌کننده آن است. در دنیایی که در آن دانش خاستگاه تحولات خرد و کلان فروملی، ملی و فراملی و موتور محرکه تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، نمی‌توان به ماهیت و شکل و مکانیسم‌های درونی و برونی آن بی‌توجه بود. دانش ماهیتی فرامرزی

و بین‌المللی یافته است و بدون نگاه بین‌المللی کنش برای دستیابی به آن به جایی نمی‌رسد. بنابراین برای اینکه همکاری‌های بین‌المللی در آموزش عالی کشور نهادینه شود و ارتقا یابد، بایستی نگاه بین‌المللی در آموزش عالی به عنوان یک پیش‌شرط عملی گردد.

نگاه فرصت‌محور. در عصر تحولات پر شتاب بین‌المللی، استفاده از فرصت‌ها، یکی از مهم‌ترین متغیرهای زندگی در جامعه بین‌المللی است. فرصت‌های بین‌المللی محدودند و بر سر تصاحب آن رقابت زیادی میان بازیگران دولتی و غیردولتی وجود دارد. محدودیت فرصت‌های بین‌المللی به دلیل محدودیت منابع به ویژه در حوزه آموزش عالی است.

نگاه غیر سیاسی. برای اینکه تبادلات و تعاملات علمی در کشور به نتایج مطلوب برای نظام آموزش عالی کشور بینجامد، بایستی فرآیند و برآیند آن را از سیاست‌زدگی دور کنیم. البته این موضوع غیر قابل تردید است که علوم و ارتباطات و همکاری‌های بین‌المللی متأثر از سیاست هستند و از آن تأثیر می‌پذیرند، اما پرننگ کردن غیر طبیعی این موضوع در جهت ارتقای همکاری‌های بین‌المللی نخواهد بود. اگر نگاه به موضوع

همکاری‌های بین‌المللی سیاست‌زده شود، در آن صورت بسیاری از فرصت‌های بین‌المللی موجود در آموزش عالی جهانی از دست خواهد رفت. بنابراین به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران، تصمیم‌سازان و مجریان آموزش عالی کشور بایستی از سیاست‌زدگی در موضوع همکاری‌های بین‌المللی پرهیز و بر اساس دو متغیر منافع ملی و استانداردهای علمی عمل کنند تا نظام آموزش عالی کشور اعم از دولتی و خصوصی بتوانند از منافع آن بهره‌مند گردند.

(ب) ارائه مستندات قانونی

در خصوص راهکارهای کلان ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در آموزش عالی باید گفت علاوه بر جهت‌گیری‌های سیاست‌گذارانه که مرتبط با بینش و محیط ادراکی و شناختی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کلان کشور و نظام آموزش عالی کشور می‌باشد باید به موضوع بسترها و مستندات قانونی نیز توجه داشت. بدون وجود و تقویت بسترهای قانونی برای ارتقای همکاری‌های بین‌المللی نمی‌توان انتظار داشت این همکاری‌ها نهادینه شود و ارتقا یابد. بنابراین اگر سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان نظام آموزش عالی می‌خواهند همکاری‌های علمی بین‌المللی در آموزش

عالی ارتقا یابد، باید در خصوص تقویت بسترهای قانونی و مستندات قانونی اقدام کنند. این مستندات قانونی در سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، برنامه‌های توسعه پنج‌ساله، قانون بودجه سالانه، مصوبات مجلس، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی یافت می‌شود.

سند چشم‌انداز. سند چشم‌انداز مهم‌ترین سند بالادستی کشور است که در آن نقشه راه سیاستگذاری‌ها و اقدامات اجرایی کشور برای زمان خاصی (سال ۱۴۰۴) مشخص شده است. اگر قرار باشد نگاه بین‌المللی و ایجاد فرصت‌های بین‌المللی تبدیل به یک شاخص در بینش، و یک راهنما در کنش‌ها شود، بیش از و پیش از هر قانون دیگر باید آبخور فکری و اجرایی آن را در سند ایران ۱۴۰۴ و دیگر سند‌های احتمالی چشم‌انداز جستجو کرد.

در پیامد نگاه بین‌المللی و ایجاد فرصت‌های بین‌المللی در سند چشم‌انداز یا سند‌های چشم‌انداز بعدی، تمام بخش‌های دیگر به ویژه آموزش عالی کشور در این راستا هدایت و برنامه‌ریزی می‌شوند. نگرش بین‌المللی سند چشم‌انداز می‌تواند نظام آموزش عالی و به تبع آن، ارتقای

همکاری‌های علمی بین‌المللی در آموزش عالی متأثر از خود را ارتقا دهد.

برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور. برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به مجموعه برنامه‌های میان‌مدتی گفته می‌شود که به صورت پنج‌ساله و توسط دولت وقت تنظیم می‌شود و به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.

قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) گام دوم چشم‌انداز بیست‌ساله است و بخشی دیگر از اهداف چشم‌انداز باید در این برنامه عملیاتی گردد. این قانون به عنوان برنامه کلی سیاست‌های نظام طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۰ تلقی می‌گردد. به هر اندازه قوانین پنج‌ساله توسعه کشور دارای روح بین‌المللی بیشتر و نگاه فرصت‌محور به علم و همکاری‌های بین‌المللی باشد، می‌توان انتظار داشت توانمندی‌های بالقوه و بالفعل آموزش عالی در استفاده از فرصت‌های بین‌المللی و ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی افزایش یابد. بنابراین باید مجموعه‌ی متولیان آموزش عالی در بخش خصوصی و دولتی در زمان آماده‌سازی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور به همراهی کمیسیون آموزش عالی مجلس و

بخش آموزش عالی اختصاص خواهند داد. بنابراین آگاهی بخشی به مجموعه نمایندگان مجلس در خصوص اهمیت همکاری های علمی بین المللی، حضور مؤثر نمایندگان آموزش عالی کشور در بخش دولتی و خصوصی در مجموعه مذاکرات تصویب لایحه بودجه هر سال چه در صحن مجلس و چه در کمیسیون های تخصصی و کمیسیون تلفیق می تواند به تخصیص امکانات مادی و معنوی بیشتر در قوانین بودجه سالانه برای آموزش عالی دولتی و خصوصی در هر سال کمک شایانی کند.

مصوبات مجلس شورای اسلامی. مصوبات مجلس شورای اسلامی از چند منظر در جهت افزایش اعتبار و توانمندی نظام آموزش عالی کشور دارای اهمیت است. اول آنکه مصوبات مجلس پس از تأیید شورای نگهبان تبدیل به قانون می شود و لازم الاجراست. این بدین معناست که دیگر مجریان نمی توانند در نظام آموزش عالی بر سلیقه های مدیریتی خود تکیه کنند. دوم آنکه مجلس شورای اسلامی مهم ترین محل برای تصویب و تخصیص بودجه و منابع مالی برای آموزش عالی کشور و تقویت توانمند مادی آن می باشد. سوم آنکه مجلس دارای این توانمندی است که در آموزش عالی کشور بتواند در صورت لزوم،

دیگر نهادهای مربوط به موضوع استفاده از محیط بین المللی، به عنوان یک فرصت برای افزایش همکاری های علمی بین المللی و توانمندسازی بین المللی نظام آموزش عالی کشور توجه کنند.

قانون بودجه سالانه. بودجه در ساده ترین تعریف، سندی مالی حاوی پیش بینی درآمدها و هزینه برای یک دوره مشخص است. به مانند خانوارها و شرکت ها، دولت نیز برای درآمدها و مخارج خود برنامه ریزی می کند. در واقع سند بودجه دولت عبارت است از برنامه هایی برای میزان و نحوه خرج کردن پول توسط دولت، برنامه ای برای کسب درآمد به منظور تأمین هزینه فعالیت های دولت. در اصل ۵۲ قانون اساسی آمده که بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر شده است، توسط دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم می شود. بنابراین در بودجه سالانه کشور، میزان دخل و خرج و اولویت های یک ساله کشور مشخص می گردد. به هر اندازه مجموعه دولت و نظام آموزش عالی کشور نسبت به اهمیت همکاری های بین المللی در افزایش ظرفیت های کشور وقوف یابند، در تخصیص بودجه به آموزش عالی کشور با دست باز عمل می کنند و امکانات مادی بیشتری را به

برای ایجاد نهادهای جدید و یا تقویت نهادهای موجود تصمیم‌گیری کند. بنابراین مجلس شورای اسلامی یکی از مهم‌ترین نهادها برای افزایش توانمندی‌های نظام آموزش عالی کشور و به دنبال آن ارتقای هدفمند همکاری‌های علمی بین‌المللی در آموزش عالی دولتی و خصوصی کشور می‌باشد. در این راستا اگر آموزش عالی دولتی و خصوصی کشور می‌خواهد در پرتو حمایت‌های نهادی مجلس، همکاری‌های علمی بین‌المللی در آموزش عالی افزایش یابد، باید به شکل سیستماتیک با مجلس وارد تعامل گردد. تعامل سیستماتیک آموزش عالی دولتی و خصوصی برای تحقق هدف مهم ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی با مجلس به معنای به کارگیری تمامی ابزارها و روش‌ها برای استفاده از تمامی ظرفیت‌های مجلس در این زمینه است.

این ابزارها و روش‌ها می‌تواند شامل موارد زیر باشد: انتخاب چهره‌های تأثیرگذار و با سابقه علمی و بین‌المللی از سوی آموزش عالی برای تعاملات رسمی و غیر رسمی با مجلس، اطلاع‌رسانی بهینه و بهنگام به مجلس در خصوص دستاوردهای همکاری‌های علمی بین‌المللی در آموزش عالی برای توسعه کشور، درگیر کردن

نمایندگان مجلس به ویژه اعضای کمیسیون آموزش عالی کشور در جلسات، مذاکرات و تصمیمات آموزش عالی دولتی و خصوصی در موضوعات مرتبط با همکاری‌های علمی بین‌المللی در آموزش عالی.

مجمع تشخیص مصلحت نظام. مجمع تشخیص مصلحت نظام، از نهادهای نظام جمهوری اسلامی ایران است که پس از تغییر قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ خورشیدی، در ساختار حقوقی نظام جمهوری اسلامی قرار گرفت. این نهاد برگرفته از اصول ۱۱۱، ۱۱۲ و ۱۷۷ قانون اساسی است و وظیفه تعیین اغلب اعضای این نهاد، به عهده مقام معظم رهبری گذاشته شده است.

مجمع تشخیص مصلحت نظام، مسئولیت تصمیم‌گیری در سیاست‌های کلان داخلی و خارجی ایران و حل اختلاف میان قوای سه‌گانه و وظیفه تدوین برنامه چشم‌انداز بیست ساله (از ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۴) و نظارت بر اجرای آن را بر عهده دارد. از سال ۱۳۸۵، رهبر جمهوری اسلامی، اختیار نظارت بر عملکرد قوای سه‌گانه در اجرای سیاست‌های کلی را که از اختیارات رهبر است، به این مجمع واگذار کرد.

مجمع تشخیص مصلحت نظام بر اساس جایگاه و وظایف خود دارای نقش

فرهنگ صحیح اسلامی، گسترش و تقویت هر چه بیشتر آنها برای تربیت متخصصان متعهد، اسلام‌شناسان متخصص، مغزهای متفکر و وطن‌خواه، نیروهای فعال و ماهر، استادان، مربیان و معلمان معتقد به اسلام و استقلال کشور تعمیم سواد، تقویت و بسط روح تفکر و علم‌آموزی و تحقیق و استفاده از دستاوردها و تجارب مفید دانش بشری برای نیل به استقلال علمی و فرهنگی حفظ و احیا و معرفی آثار و مآثر اسلامی و ملی، نشر افکار و آثار فرهنگی انقلاب اسلامی، ایجاد و تحکیم روابط فرهنگی با کشورهای دیگر به ویژه با ملل اسلامی.

همچنین وظایفی را که بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی گذاشته شده است، می‌توان در سه حوزه سیاست‌گذاری، تدوین ضوابط و نظارت تقسیم‌بندی نمود. تهیه و تدوین سیاست‌ها و طرح‌های راهبردی کشور در زمینه‌های مختلف فرهنگی از جمله در حوزه‌های زنان، تبلیغات، اطلاع‌رسانی، چاپ و نشر، بی‌سوادی، دانشگاه‌ها، برقراری روابط علمی و پژوهشی و فرهنگی با سایر کشورها، همکاری حوزه و دانشگاه، فعالیت‌های دینی و معنوی، تهاجم فرهنگی و سایر حوزه‌های فرهنگی مربوطه از جمله وظایف سیاست‌گذاری این شورا محسوب می‌شود.

تعیین‌کننده‌ای در کشور در جهت افزایش نقش و کارکرد نظام آموزش عالی کشور است. مجمع تشخیص مصلحت نظام در طراحی، اجرای برنامه چشم‌انداز دارای نقش تعیین‌کننده‌ای است و می‌تواند به روندهای دانش‌محور و افزایش تأثیرگذاری نظام آموزش عالی کمک کند. از این رو، مجموعه نظام آموزش عالی بایستی در خصوص اهمیت و میزان تأثیرگذاری مجمع تشخیص مصلحت نظام در موضوعات آموزش عالی کشور هوشیار باشند.

شورای عالی انقلاب فرهنگی. شورای عالی انقلاب فرهنگی یکی از نهادهای کشور است که پس از انقلاب با هدف گسترش نفوذ فرهنگ اسلامی در شئون جامعه و تقویت انقلاب فرهنگی و اعتلای فرهنگ عمومی و تزکیه محیط‌های علمی و فرهنگی از افکار مادی و نفی مظاهر و آثار غربزدگی تأسیس شد.

اهداف این شورا عبارت‌اند از: گسترش و نفوذ فرهنگ اسلامی در شئون جامعه و تقویت انقلاب فرهنگی و اعتلای فرهنگ عمومی تزکیه محیط‌های علمی و فرهنگی از افکار مادی و نفی مظاهر و آثار غربزدگی از فضای فرهنگی جامعه تحول دانشگاه‌ها، ایجاد مدارس و مراکز فرهنگی و هنری براساس

همچنین تعیین ضوابط تأسیس مراکز علمی و آموزشی و نیز ضوابط گزینش مدیران و استادان و دانشجویان از جمله وظایف این شورا می‌باشد. بررسی و تحلیل شرایط فرهنگی ایران و جهان، بررسی الگوهای توسعه و پیامدهای فرهنگی آن، بررسی وضع فرهنگ و آموزش کشور و نیز نظارت بر اجرای مصوبات شورا از جمله وظایف نظارتی شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد.

همان‌طور که اشاره شد، شورای انقلاب فرهنگی دارای جایگاه بسیار تعیین‌کننده و نقش بسیار تأثیرگذار در کارکردها، روندها و اهداف آموزش عالی کشور است. از این رو به هر اندازه شورای انقلاب فرهنگی در موضوع ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در آموزش عالی نقش‌آفرینی و برنامه‌ریزی کند، این موضوع به شکل به‌ترو دقیق‌تری در فرآیندهای آموزش عالی ساری و جاری خواهد شد.

شورای عالی انقلاب فرهنگی در چارچوب نقش خود و در راستای سیاست‌گذاری در جهت ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در آموزش عالی می‌تواند کارگروه ویژه‌ای تشکیل دهد تا با حضور افراد منتخب این شورا و دیگر افراد مربوط از وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، کمیسیون آموزش عالی

مجلس شورای اسلامی، نمایندگان دانشگاه‌های غیر دولتی به ویژه نمایندگان دانشگاه آزاد اسلامی، اساتید برجسته کشور و کارشناسان به این موضوع مهم بپردازد. تبیین تأثیر همکاری‌های بین‌المللی در ارتقای سطح علمی کشور، سیاست‌گذاری عمومی همکاری‌های بین‌المللی در آموزش عالی در کشور، نهادسازی یا تقویت نهادهای مرتبط در خصوص همکاری‌های علمی بین‌المللی در آموزش عالی و الگوسازی در خصوص همکاری‌های علمی بین‌المللی می‌تواند از مهم‌ترین موضوعات در دستور کار شورای انقلاب فرهنگی در خصوص ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در آموزش عالی باشد.

۲-۲. راهکار میان‌برد: رویکرد بین‌المللی در آموزش عالی

راهکارهای میان‌برد مجموعه راهکارهایی است که در سطح میانی نظام آموزش عالی کشور، در دانشگاه‌های دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی باید اتفاق بیفتد یا اجرایی گردد تا ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در آموزش عالی و دانشگاه آزاد به سرانجام رسد. راهکارهای میان‌برد برای ارتقا همکاری‌های علمی بین‌المللی در آموزش عالی در واقع در چارچوب رویکرد بین‌المللی

اهمیت همکاری‌های علمی بین‌المللی در کشور باشد که میوه شیرین آن رشد و توسعه دانش در کشور می‌باشد.

بنابراین نهادینه‌سازی فرآیندی است که «هدف ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه آزاد و آموزش عالی دولتی» با اجماع مورد پذیرش قرار می‌گیرد و چارچوب فعالیت‌های بین‌المللی در آموزش عالی مشخص و معین می‌گردد. در این حالت فرآیند ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی نه یک زیور، بلکه به زر تبدیل می‌گردد.

بنابراین اگر دانشگاه آزاد اسلامی و آموزش عالی دولتی می‌خواهند همکاری‌های علمی بین‌المللی در این دو نهاد آموزش عالی کشور به شکل واقعی به حرکت درآید، باید آن را نهادینه کنند و فرآیند نهادینه‌سازی باید مبتنی بر آخرین دستاوردها و یافته‌های دانشگاهی در این خصوص باشد.

ب) قاعده‌مندسازی همکاری‌های بین‌المللی

دومین راهکار میان‌برد در نظام آموزش عالی آزاد کشور برای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی، قاعده‌مندسازی همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه آزاد اسلامی و آموزش عالی دولتی است. قاعده‌مندسازی همکاری‌های علمی بین‌المللی

مطرح می‌گردد. رویکرد بین‌المللی در واقع روح اقدامات در نظام آموزش عالی کشور و دانشگاه آزاد اسلامی است تا به موضوعات اجرایی و سیاست‌گذاری‌های کلان غنا و جهت‌گیری اجرایی بدهد.

در زیر راهکارهای میان‌برد برای ایجاد رویکرد بین‌المللی در آموزش عالی کشور، در دانشگاه‌های دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی برای تحقق هدف ارتقای همکاری علمی بین‌المللی در نظام آموزش عالی کشور ارائه می‌گردد.

الف) نهادینه‌سازی همکاری‌های بین‌المللی.

به نظر می‌رسد اولین و مهم‌ترین راهکار میان‌برد با رویکرد بین‌المللی در نظام آموزش عالی برای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه‌های دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی، نهادینه‌سازی همکاری‌های بین‌المللی باشد. نهادینه‌سازی همکاری‌های علمی بین‌المللی در آموزش عالی کشور موجب می‌گردد که همکاری‌های علمی بین‌المللی فرای تغییرات مدیریتی نگاه‌های فردی، رفتارهای اجرایی سلیقه‌ای در دانشگاه آزاد و آموزش عالی کشور ساری و جاری گردد. نهادینه‌سازی همکاری‌های علمی بین‌المللی می‌تواند نتیجه‌ی دریافت و درک از

به معنای تعیین و تصویب و اجرایی کردن قوانین و آیین‌نامه‌های لازم در این خصوص است. در این حالت همکاری علمی بین‌المللی مبتنی بر چارچوب‌های مشخص و معین، پشتوانه حقوقی و راهکارهای اجرایی مبتنی بر تجربیات داخلی و خارجی خواهد بود. بنابراین برای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی باید پس از نهادینه‌سازی به عنوان مهم‌ترین و اولین راهکار، به دنبال قاعده‌مندسازی همکاری‌های علمی بین‌المللی بود تا شرایط لازم برای این مهم فراهم شود. بنابراین برای آنکه قاعده‌مندسازی همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه آزاد اسلامی و بخش دولتی آموزش عالی به سرانجام رسد، قواعد، قوانین و آیین‌نامه باید با حضور کارشناسان امور بین‌المللی، کارشناسان آموزش عالی کشور، استفاده از مشاوره اساتید و کارشناسان کشورهایی مانند مالزی و ترکیه و استفاده از تجربیات دیگر کشورهای جهان آماده گردد و سپس نهایی شود. این قاعده‌مندسازی مانند ریلی است که همکاری‌های علمی بین‌المللی را به سوی هدف، درست هدایت می‌کند.

پ) ساختارسازی برای همکاری‌های علمی بین‌المللی

سومین راهکار برای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در نظام آموزش عالی کشور در دانشگاه‌های دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی، ساختارسازی برای همکاری‌های علمی بین‌المللی است. ساختارسازی فرآیندی است که در آن مجموعه ساختارهای کلان و خرد کنش‌کننده و اجرایی برای تحقیق این هدف ایجاد می‌گردند. برای ساختارسازی در جهت ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در آموزش عالی دولتی کشور و دانشگاه آزاد اسلامی باید ساختارهای موجود و نقاط قوت و ضعف و چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با آنها مورد ارزیابی علمی و اجرایی قرار گیرد. سپس در صورت نیاز به ساختارهای جدید با جایگاه و نقش‌های متعالی‌تر و کارکردی‌تر، این ساختارها باید ایجاد شود.

وضعیت موجود همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه‌های دولتی و آزاد بیانگر این واقعیت است که ساختارهای موجود نتوانسته‌اند وظیفه مهم تعمیق همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه آزاد اسلامی را کارآمد کنند. بنابراین ساختارهای کوچک، اما چابک با رویکرد بین‌المللی مبتنی بر کار کارشناسان با ادراک بین‌المللی و مسلط به

مهارت‌های بین‌المللی باید ایجاد گردد تا این مهم را به سرانجام رسانند.

«ساختارسازی» همکاری علمی بین‌المللی در دانشگاه آزاد اسلامی به ویژه باید مصون از روش‌های ناکارآمد بوروکراتیک و ارتباطات درون‌ساختاری شکل گیرد.

بنابراین ساختارسازی جدید برای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی یک الزام اجتناب‌ناپذیر و یک راهکار برای تحقق هدف بالاست.

ت) هدفمندسازی همکاری‌های علمی بین‌المللی

هدف ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی بدون هدف‌گذاری و هدفمندسازی برنامه‌ها به اهداف مطلوب نخواهد رسید. هدفمندسازی همکاری‌های علمی بین‌المللی فرآیندی است که در آن کلیه سیاست‌گذاری‌ها، اقدامات اجرایی و هزینه‌ها، معطوف به هدف‌های مشخص و معینی خواهد بود. این اهداف باید هدف‌های کارشناسی شده، معطوف به نیازهای سازمانی دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های دولتی و با درک عمیق شرایط علمی خارج از کشور صورت گیرد و در آن مرکزیت با کارآمدی اهداف و نه صورت سمبلیک آن باشد. هدف‌های مفروض و مصوب باید همزمان که

از الگوهای جهانی همکاری‌های علمی بین‌المللی پیروی کند، از نیازهای بومی و امکانات داخلی نیز متأثر گردد. در این راستا استفاده از تجربیات کشورهای همپایه مانند کره جنوبی، ترکیه، مالزی و در نظر گرفتن مدل‌ها و شیوه‌های ارائه‌شده برای هدف‌گذاری همکاری‌های علمی و فرهنگی در سازمان‌هایی مانند یونسکو و آیسسکو دارای ارزش و اعتبار می‌باشد.

ث) تربیت نیروی انسانی برای همکاری‌های علمی بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های کارآمدی در همکاری‌های علمی بین‌المللی در نظام آموزش عالی کشور، وجود نیروی انسانی و کارشناسانی است که دارای آگاهی و دانایی و مهارت لازم برای ایفای نقش در چنین جایگاهی هستند. بدون وجود چنین نیروی انسانی به عنوان کارگزار کنشگر، تمامی سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و ساختارسازی‌ها در جهت ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه آزاد اسلامی و آموزش عالی دولتی به نتیجه نخواهد رسید. بنابراین تربیت نیروی انسانی مؤثر کارآمد و با مهارت برای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی یک الزام اجتناب‌ناپذیر و از پایه‌های غیرقابل تردید این هدف است.

در خصوص کارشناسان و همکاران مرکز همکاری‌های بین‌المللی در داخل کشور چه در سطح دانشگاه آزاد اسلامی و چه آموزش عالی دولتی می‌توان گفت این نیروها نباید بدون تخصص و مهارت‌های مورد نیاز برای فعالیت در سطح بین‌المللی در بخش‌ها به کار گمارده شوند. کادری که در بخش‌های همکاری‌های علمی بین‌المللی و امور بین‌الملل فعالیت می‌کنند، نباید براساس روابط فامیلی و روابط نهادی وارد این حوزه گردند.

برای تحقق هدف همکاری‌های علمی بین‌المللی باید با برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت به تربیت و آموزش نیروی انسانی مورد نیاز در این خصوص پرداخت تا نیازها به نیروی انسانی دارای دانش، بینش بین‌المللی و با مهارت مرتفع گردد. فرآیند انتخاب و آموزش نیروی انسانی فعال در این بخش‌ها باید دارای قواعد مشخص و معین باشد و با توجه به نیازهای دانشگاه آزاد اسلامی و بخش دولتی طراحی و اجرا گردد.

ج) تخصیص منابع مالی کافی برای همکاری‌های علمی بین‌المللی

هدف مهم ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در نظام آموزش عالی در دانشگاه‌های دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی

صرف‌نظر از سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های اجرایی نیازمند تخصیص منابع مالی و تأمین مالی است. در واقع اگر به اندازه اهمیت این موضوع، در آن تخصیص منابع مالی صورت نگیرد، انجام واقعی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه صورت نخواهد گرفت و ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در حد یک تعارف باقی خواهد ماند. تخصیص منابع مالی می‌تواند نیازهای انجام هدف مهمی مانند ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی را در خصوص برنامه‌ها، تجهیزات، جذب نیروی کارشناس خبره بین‌المللی و سفرها را عملیاتی کند و کلیه موضوعات در این خصوص در حوزه‌های پژوهشی و آموزشی را پوشش دهد.

در واقع تا زمانی که بخش‌های آموزش بین‌الملل متولی همکاری‌های علمی بین‌المللی از بودجه لازم و منابع مکفی برخوردار نباشند، برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت مصوب دانشگاه آزاد اسلامی و یا آموزش عالی بخش دولتی اجرا نخواهد گردید. بنابراین سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران دانشگاه‌های دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی در خصوص تأمین نیازهای مالی برای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی باید با هوشمندی بیشتر عمل کند و با تخصیص منابع مالی لازم این موضوع

نظام آموزش عالی کشور، مشارکت در شبکه‌های رسمی همکاری‌های علمی بین‌المللی است. این شبکه‌ها به دو شکل فعال هستند. اول شبکه‌هایی که توسط سازمان بین‌المللی اداره می‌شوند. برای مثال شبکه‌های توسط سازمان‌هایی مانند یونسکو^۲ و آیسسکو^۳ مدیریت و هدایت شوند که بسیار فراگیر هستند. در خصوص سازمان یونسکو می‌توان به طیف گسترده‌ای از شبکه‌ها و همکاری از همکاری کمیسیون‌های ملی یونسکو در کشورها تا جایزه‌ها، بورس‌ها، برنامه‌های مشارکت مدارس مرتبط با یونسکو و همکاری‌های متنوع در موضوعات گوناگون اشاره کرد.

سازمان آیسسکو نیز شبکه‌های مهمی مانند فدراسیون دانشگاه‌های جهان اسلام^۴، مؤسسه اسلامی اخلاق علمی و فناوری^۵ و مرکز ارتقای پژوهش علمی، آیسسکو^۶ را اداره می‌کند که همکاری با این سازمان می‌تواند به

2. United Nations Educational Scientific and Cultural Organization, UNESCO
3. Islamic Educational, Scientific and Cultural Organization, ISESCO
4. Federation of Universities of the Islamic World (FUIM)
5. Islamic Body of Ethics of Science and Technology
6. ISESCO Center for Promotion of Scientific Research.

پراهمیت را به پیش برند. همکاری‌های علمی بین‌المللی به عنوان یک هدف مطلوب نیازمند امکاناتی است که بدون وجود آن تحقق برنامه‌ها غیر ممکن خواهد شد.

چ) فراهم ساختن امکانات تجهیزاتی برای همکاری‌های علمی بین‌المللی

امکانات تجهیزاتی اگرچه در داخل کشور موجود می‌باشد، اما دارای استانداردهای بین‌المللی نیست. استفاده کامل از توانمندی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و روش‌های علمی بین‌المللی دارای ارزش حیاتی است. ارائه خطوط پرسرعت اینترنت، استفاده از آخرین تجهیزات رایان‌های، استفاده از شیوه‌های جدید مانند تله کنفرانس، تجهیزات ایجاد بانک اطلاعاتی مشترک، تجهیزات و نرم‌افزارهای ایجاد و استفاده از کتابخانه‌های مشترک، ایجاد کتابخانه‌های مشترک الکترونیکی از جمله تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه آزاد اسلامی و آموزش عالی بخش دولتی است.

ح) مشارکت در شبکه‌های همکاری‌های علمی بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین راهکارهای میان‌برد برای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در

ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی کمک شایانی کند.

دانشگاه آزاد اسلامی و بخش دولتی آموزش عالی باید با برنامه‌ریزی و آینده‌نگری و استفاده از نیروی کارشناس خبره از این فرصت‌های همکاری با شبکه‌های علمی بین‌المللی چه در سازمان‌های بین‌المللی و چه در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی استفاده کنند تا هدف مهم ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی تحقق یابد.

خ) جذب منابع مالی خارجی در همکاری‌های علمی و بین‌المللی و تحقیقاتی مشترک

نهمین و آخرین راهکار میان‌برد برای ارتقای همکاری علمی بین‌المللی در دانشگاه آزاد اسلامی و بخش دولتی آموزش عالی، جذب منابع خارجی برای همکاری علمی و بین‌المللی تحقیقاتی مشترک می‌باشد.

جذب منابع خارجی برای پروژه‌های مشترک علمی و تحقیقاتی موجب نهادینه شدن و تعمیق همکاری علمی و بین‌المللی می‌گردد و استانداردهای همکاری‌های علمی و بین‌المللی در کشور را افزایش داده و این ارتباطات را گسترده‌تر می‌کند.

بنابراین دانشگاه آزاد اسلامی و بخش دولتی آموزش عالی می‌توانند با برنامه‌ریزی‌ها

و براساس منافع مشترک، از فرصت تأمین مالی خارجی برای همکاری‌های علمی و بین‌المللی استفاده و آن را اجرایی کنند.

۲-۳. راهکارهای خرد

راهکارهای خرد برای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی مجموعه‌ای از اقدامات اجرایی خرد دانشگاهی است که توسط هر دانشگاه اعم از واحدهای دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی و یا دانشگاه‌های دولتی می‌تواند صورت پذیرد تا همکاری علمی بین‌المللی در سطح دانشگاه‌ها اجرایی گردد. بدیهی است این مجموعه اقدامات خرد دارای تأثیر کلان و وسیعی بر همکاری علمی و بین‌المللی در دانشگاه آزاد اسلامی و بخش دولتی آموزش عالی می‌باشند.

از جمله این راهکارهای خرد عبارت است از:

الف) انعقاد موافقت‌نامه‌های همکاری با دانشگاه‌های جهان. انعقاد موافقت‌نامه همکاری میان واحدهای دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دانشگاه‌های دولتی یک اقدام بسیار مسلم برای نهادینه کردن و ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه‌هاست.

انعقاد موافقت‌نامه‌های همکاری میان واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های

بنابراین واحدهای دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دانشگاه‌های دولتی باید برنامه‌ریزی دقیقی برای انعقاد موافقت‌نامه‌های همکاری علمی با مراکز پژوهشی جهان داشته باشند.

انعقاد موافقت‌نامه‌های همکاری‌های علمی با مراکز پژوهشی جهان موجب می‌گردد تا ضمن دسترسی و بهره‌برداری از آخرین دستاوردهای علمی جهان، همکاری علمی بین‌المللی در دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های دولتی ارتقا یافته و این روابط علمی و بین‌المللی نهادینه گردد.

انعقاد قرارداد همکاری علمی پژوهشی با مراکز پژوهشی جهان نه تنها موجب نهادینه شدن همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه آزاد دانشگاه‌های دولتی می‌گردد، بلکه موجب می‌شود اساتید و پژوهشگران دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های دولتی بتوانند با حضور و فعالیت در مراکز پژوهشی معتبر جهان ضمن استفاده از آخرین امکانات و دستاوردها، به توانایی‌های علمی پژوهشی خود بیفزایند.

پیامد منطقی این فرآیند افزایش توانمندی‌های بالفعل و بالقوه علمی و بین‌المللی و پژوهشی کاربردی دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های دولتی است.

دولتی با دانشگاه‌هایی در خارج از کشور موجب می‌شود همکاری‌های بین‌المللی علاوه بر نهادینه شدن، قاعده‌مند و دائمی گردد و تغییرات مدیریتی خللی در آن ایجاد نکند. بدیهی است انعقاد موافقت‌نامه‌های همکاری میان دانشگاهی با دانشگاه‌های خارج از کشور براساس منافع علمی مشترک، علائق و چشم‌انداز فعالیت‌های مشترک و امکانات و قابلیت‌های طرفین صورت می‌پذیرد. بنابراین انعقاد قرارداد باید از جنبه نمایشی و سمبلیک خارج شده و بر جنبه‌های کاربردی و علمی آن تکیه شود.

انعقاد موافقت‌نامه‌های همکاری علمی با دانشگاه‌های جهان، ارتباط تنگاتنگ، پیوسته و آینده‌نگری را با دانشگاه‌های جهان ایجاد می‌کند که مزایای علمی آن به صورت فوری به واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های دولتی منتقل می‌گردد.

ب) انعقاد موافقت‌نامه‌های همکاری علمی با مراکز پژوهشی جهان. مراکز پژوهشی دارای اهمیت ویژه در عرصه‌های علمی و پژوهشی جهان می‌باشند. مراکز پژوهشی به عنوان کامل‌کننده فعالیت‌های علمی در کنار دانشگاه‌ها مرزهای دانش را درمی‌نوردند و روزی نیست که علوم و فناوری از دستاوردهای این مراکز بی‌نصیب بمانند.

پ) تبادل اساتید. همکاری‌های علمی بین‌المللی در سطح دانشگاهی بدون تسری آن به اساتید که «مهم‌ترین رکن علمی دانشگاه هستند، امکان‌پذیر نیست. بنابراین زمانی که برنامه‌های همکاری‌های علمی بین‌المللی در واحدهای دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دانشگاه‌های دولتی، «اساتید» را نیز دربرمی‌گیرد، می‌توان امیدوار بود که همکاری‌های علمی بین‌المللی توانسته است به اهداف و کارویژه خود دست یابد.

«تبادل اساتید» میان دانشگاه‌های جهان یکی از قدیمی‌ترین روش‌های تبادلات علمی است که متأسفانه در کشور ما جایگاه شایسته‌ای ندارد. «تبادل اساتید» براساس موافقت‌نامه میان دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد و براساس برنامه و چارچوب مشخص، اساتید دانشگاه‌ها برای زمان مشخص مبادله می‌شوند.

مبادله اساتید موجب می‌شود که سطح دستاوردهای علمی، شیوه‌های تدریس، به دانشگاه دیگر منتقل شود و همکاری علمی بین‌المللی دانشگاهی ارتقا یابد.

بنابراین اگر واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های دولتی می‌خواهند همکاری‌های علمی بین‌المللی نهادینه شود و ارتقا یابد، باید با امضای موافقت‌نامه‌های

همکاری‌های علمی و «تبادل اساتید» این موضوع را در دستور کار قرار دهند. زمانی که اساتید که موتور محرکه فعالیت‌های علمی دانشگاهی هستند، وارد فرایند همکاری‌های علمی بین‌المللی گردند، می‌توان انتظار داشت که این هدف تحقق یابد.

ت) تبادل دانشجویان. یکی دیگر از مهم‌ترین راهکارهای خرد، یا اقدامات اجرایی دانشگاهی برای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در نظام آموزش عالی کشور، تبادل دانشجویان است. اگر هدف نهایی کلیه فعالیت‌های علمی دانشگاهی را ارتقای سطح علمی دانشجویان در نظر بگیریم، تبادل دانشجویان در این چارچوب معنا می‌یابد.

همکاری‌های علمی بین‌المللی در چارچوب تبادل دانشجویان موجب می‌شود دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و دانشجویان دانشگاه‌های دولتی ضمن آشنایی با فضاهای دانشگاه‌های غیر دولتی، از آخرین استانداردهای علمی در آموزش و پژوهش بتوانند در فرآیند همکاری‌های علمی بین‌المللی نیز بهره‌مند گردند.

تبادل دانشجویان در فرآیند ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در چارچوب استراتژی پایین-بالا رخ می‌دهد که بر این اساس برای تحقق یک هدف، سیاست‌ها و

برنامه‌ریزی‌ها از پایین‌ترین سطوح آغاز می‌گردد.

ث) نشریات دوزبانه مشترک. نشریات دوزبانه مشترک می‌تواند یک راهکار اجرایی خرد و در عین حال تأثیرگذار برای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی باشد. نشریات دوزبانه مشترک معمولاً زمانی انتشار می‌یابد که همکاری‌های علمی بین‌المللی میان دو موجودیت دانشگاهی یا پژوهشی نهادینه شده باشد و استانداردهای همکاری مشترک براساس منافع مشترک شکل گرفته باشد.

بنابراین اگر واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های دولتی بتوانند با دانشگاه‌های خارجی که دارای علائق و منافع مشترک باشند، وارد همکاری دوجانبه گردند، یکی از مهم‌ترین اقدامات مشترک، انتشار نشریات دوزبانه (زبان فارسی و زبان کشور دانشگاه خارجی و یا زبان انگلیسی) است.

در راستای هدف ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی باید به انتشار نشریات علمی بین‌المللی دو زبانه به صورت مشترک اهتمام ورزید و برای تحقق آن از کلیه منابع مادی و انسانی بهره جست.

ج) برگزاری کنفرانس‌های تحقیقاتی مشترک. برگزاری کنفرانس‌های تحقیقاتی مشترک با دانشگاه‌های معتبر دنیا و همچنین

با مراکز پژوهشی جهان راهکار دیگر افزایش همکاری‌های علمی بین‌المللی در آموزش عالی است. کنفرانس تحقیقاتی مشترک نیازمند نیاز مشترک، راه مشترک و هدف مشترک می‌باشد. بنابراین زمانی که یک کنفرانس تحقیقاتی مشترک میان دانشگاه آزاد اسلامی و یا دانشگاه‌های دولتی با یک دانشگاه‌های خارجی یا مراکز پژوهشی خارجی برگزار گردد، مطمئناً می‌توان انتظار ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی را داشت. بنابراین در چارچوب راهکارهای خرد توجه ویژه به برگزاری کنفرانس‌های تحقیقاتی مشترک باید دارای اولویت جایگاه ویژه‌ای باشد و در این راستا، فعالیت‌های مطالعاتی و اجرایی با استفاده از تجربیات پیشین در داخل و تجربیات بین‌المللی صورت می‌گیرد.

چ) تبادل اطلاعات علمی و تأسیس بانک اطلاعاتی مشترک. از دیگر راهکارهای خرد ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های دولتی می‌توان به مورد «تبادل اطلاعات عملی و تأسیس بانک اطلاعات مشترک» اشاره کرد. زمانی که نهادهای علمی و پژوهشی حاضر می‌شوند دستاوردهای علمی و پژوهشی خود را که در قالب «اطلاعات» ارائه گردیده، با

دیگر مراکز دانشگاهی و پژوهشی مبادله کنند، می‌توان این وضعیت را سرآغاز یک همکاری پایدار علمی و ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی دانست.

همچنین پس از تبادل اطلاعات، تأسیس بانک‌های اطلاعاتی نیز قدم بعدی برای نهادینه کردن و دائمی کردن همکاری‌های علمی بین‌المللی است. بنابراین برای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی میان دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دانشگاه‌های دولتی با دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی-پژوهشی دنیا باید به موضوع تبادلات علمی و تأسیس بانک اطلاعاتی مشترک توجه ویژه‌ای داشت و برای آن برنامه‌های مطالعاتی و اجرایی انجام داد. انجام تبادلات علمی و تأسیس بانک اطلاعاتی مشترک با دانشگاه‌ها و مراکز معتبر پژوهشی جهان را می‌توان یک قدم بسیار بزرگ و راهکاری مهم برای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی دانست.

ح) انتشار کتب مشترک. یکی دیگر از راهکارهای خرد برای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در نظام آموزش عالی کشور، انتشار کتب مشترک است. انتشار کتب مشترک که معمولاً به صورت دوزبانه صورت می‌گیرد، نشانگر اهداف و انگیزه‌های مشترک نهادهای علمی است.

زمانی که کتب مشترک توسط دو مرکز دانشگاهی و یا پژوهشی منتشر می‌شود، نشان از تعمیق روابط دو نهاد علمی است. بنابراین دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های دولتی در صورتی که می‌خواهند همکاری علمی بین‌المللی خود را با مرکز دانشگاهی و پژوهشی ارتقا دهند و آن را تعمیق و متداوم کنند، باید در خصوص انتشار کتب مشترک در چارچوب اهداف مشترک برنامه‌ریزی کنند. زمانی که کتابی به صورت مشترک در داخل و خارج توسط دانشگاه‌ها منتشر می‌شود، بیانگر ارتباط تنگاتنگ و هدفمند دانشگاهی و پژوهشی است.

خ) انجام پروژه‌های مشترک تحقیقاتی. انجام پروژه‌های مشترک تحقیقاتی را نیز می‌توان یک راهکار مطلوب در سطح خرد برای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی دانست. انجام پروژه تحقیقاتی مشترک میان دانشگاه آزاد اسلامی و یا دانشگاه‌های دولتی یک راهکار اجرایی و تعیین‌کننده در این خصوص است.

بنابراین در چارچوب برنامه‌های آتی دانشگاه آزاد اسلامی و یا دانشگاه‌های دولتی برای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی باید توجه ویژه و برنامه‌ریزی دقیقی برای

انجام پروژه‌های مشترک تحقیقاتی صورت پذیرد.

فرجام

توسعه همکاری‌های علمی بین‌المللی در نظام آموزش عالی کشور، در آموزش عالی و دانشگاه آزاد اسلامی با مشکلات و موانع مهمی روبه‌رو است. این مشکلات را می‌توان در موارد زیر ارائه نمود:

۱. نبود مرجع منسجم تعیین‌کننده الویت‌های همکاری‌های بین‌المللی،
۲. نبود چارچوب تشکیلاتی، نیروی انسانی و امکانات متناسب با وظایف محوله،
۳. نبود ترتیبات مطالعاتی نهادینه‌شده برای پشتیبانی علمی، کارشناسی،
۴. عدم کفایت پشتیبانی مالی و لجستیکی برای انجام وظایف محوله،
۵. عدم ایجاد وحدت رویه در اقدامات همکاری‌های علمی بین‌المللی دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و مؤسسات تحقیقاتی، فناوری،
۶. توجیه نبودن کارشناسان امور بین‌المللی دانشگاه‌ها،
۷. فقدان اتوماسیون، مسایل نرم‌افزاری و امکانات سخت‌افزاری مورد نیاز،
۸. وجود نگاه‌های متأثر از سیاست به همکاری‌های بین‌المللی،

۹. نگاه‌های سلیقه‌ای به موضوع همکاری‌های بین‌المللی،

۱۰. گزینش متولیان ناآشنا به مقوله همکاری‌های بین‌المللی و عدم درک الزامات همکاری‌های بین‌المللی.

در دانشگاه آزاد اسلامی مشکلات کلان یادشده با مشکلات ویژه این دانشگاه نیز گره خورده است. در نتیجه، همکاری‌های بین‌المللی در دانشگاه آزاد اسلامی به هیچ شکل در تناسب با جایگاه و اهمیت دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه کمی و کیفی این دانشگاه نیست. از جمله مشکلات دانشگاه آزاد اسلامی در خصوص همکاری‌های بین‌المللی را می‌توان موارد زیر دانست:

۱. فقدان رابطه دقیق و تعریف‌شده میان معاونت پژوهشی (به‌عنوان متولی فعالیت‌های علمی و پژوهشی دانشگاه) و معاونت امور بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی (به‌عنوان متولی فعالیت‌های بین‌المللی دانشگاه)؛
۲. فقدان رابطه دقیق و تعریف‌شده میان معاونت امور بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی و واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی؛
۳. همسان نبودن واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی از نظر سطح کمی و کیفی و عدم انتظار ورود مشابه و هم‌سطح واحدهای

دانشگاه آزاد اسلامی به فعالیت‌های علمی بین‌المللی به صورت یکسان و یکنواخت؛

۴. موانع و مشکلات مالی واحدهای دانشگاه آزاد به دلیل اتکا به شهریه دانشجوی و عدم امکان مالی ورود واحدهای دانشگاه در عرصه‌های بین‌المللی؛

۵. مشکلات سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی و دولت که اغلب امکان همکاری وزارت امور خارجه با این دانشگاه را سخت می‌ساخت؛

۶. مشکلات سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی و دولت که همکاری سیستماتیک وزارت علوم با دانشگاه آزاد اسلامی را امکان‌پذیر نمی‌ساخته است؛

۷. مشکلات چندسال اخیر در خصوص مدیریت کلان دانشگاه آزاد اسلامی که موجب شده بود برنامه‌های دانشگاه در حوزه بین‌المللی به صورت غیر مستقیم دچار رکود شود؛

۸. بی‌توجهی دانشگاه آزاد اسلامی در خصوص تربیت نیروهای متخصص در امور بین‌المللی و همکاری‌های علمی.

نتیجه‌ی این روند، عدم توسعه همکاری‌های بین‌المللی در دانشگاه آزاد اسلامی همسان با توسعه کمی و کیفی دانشگاه آزاد اسلامی است. در این راستا

موضوع شناسایی راهکارهای ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در دانشگاه آزاد اسلامی یک الزام علمی و یک نیاز عملی برای افزایش استانداردهای آموزشی در دانشگاه آزاد و رسیدن به هدف دانشگاه آزاد اسلامی در دهه چهارم یعنی رقابت در سطح بین‌المللی است.

برای تحقق ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در دانشگاه آزاد اسلامی باید سه سطح راهکار به کار بسته شود. اولین سطح از راهکارها، راهکارهای کلان یا جهت‌گیری‌های سیاست‌گذارانه است. این سطح مرتبط با سیاست‌گذاری‌های کلان نهادهای تصمیم‌ساز، تصمیم‌گیر و هدایت‌کننده کشور است. سطح دوم از راهکارها، راهکارهای میان‌برد یا ایجاد رویکرد بین‌المللی در آموزش عالی است. در این سطح، به اقدامات نهاد آموزش عالی دولتی و آزاد برای ارتقای همکاری‌های بین‌المللی پرداخته می‌شود. در سطح سوم راهکارها یا سطح خرد، به اقدامات اجرایی دانشگاهی در دانشگاه‌های دولتی و آزاد پرداخته می‌شود. با انجام راهکارهایی که در این سه سطح ارائه شد، آموزش عالی ایران در دو بخش دولتی و آزاد خواهد توانست سطح همکاری‌های علمی بین‌المللی خود را ارتقا دهد.

۲. آراسته، حمیدرضا، مهدی سبحانی‌نژاد و رضا همایی (۱۳۸۷)، «وضعیت دانشگاه‌های شهر تهران در عصر جهانی شدن از دیدگاه دانشجویان»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره ۱۴، ش ۴.

۳. استاذزاده، زهرا (بهار ۱۳۸۴)، روابط علمی بین دانشگاه‌های داخل و خارج کشور، *رهیافت*، شماره ۳۵.

۴. شرقی عبدالعلی (۱۳۸۲)، *همکاری‌های علمی بین‌المللی، وظایف، عملکرد، مسائل پیش رو، چشم‌انداز و برنامه پیشنهادی*، دفتر همکاری‌های بین‌المللی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

۵. فتحی واجارگاه، کوروش، عذرا زارع و محمد یمنی (زمستان ۱۳۸۸)، «بررسی موانع بین‌المللی برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از دیدگاه اعضای هیئت علمی (مورد دانشگاه شهید بهشتی)»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره ۱۵، ش ۴.

۶. گیل برتون و میشل لامبرت (۱۳۸۷)، *جهانی شدن و دانشگاه‌ها، سپهر نو و کنشگران نوین*، ترجمه حمید جاودانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۷. ملک‌زاده، رضا (پاییز ۱۳۸۱)، «نقش همکاری‌های علمی بین‌المللی در توسعه علمی ایران»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ج ۸، ش ۳.

۸. وبر، لوک ای. (۱۳۸۰)، *بررسی چالش‌های اساسی فراروی آموزش عالی در هزاره سوم*، ترجمه محمد قاسمی و مجید سلیمی دانشگر، به

نکته بسیار مهم در جهت ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در دانشگاه آزاد اسلامی این است که تمامی راهکارهای اشاره‌شده در این پژوهش مشروط بر «وجود اراده» برای همکاری‌های بین‌المللی در دانشگاه آزاد اسلامی است. و وجود اراده نیز منوط به احساس نیاز مبتنی بر مطالعه علمی در این خصوص می‌باشد. بنابراین سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کلان دانشگاه آزاد باید با مطالعه‌ی عمیق و دقیق اهمیت همکاری‌های بین‌المللی در ارتقای کیفی دانشگاه آزاد اسلامی و ارتقای جایگاه بین‌المللی این دانشگاه در این خصوص احساس نیاز کنند. این احساس نیاز پیش‌نیاز شکل‌گیری اراده نزد سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان دانشگاه آزاد اسلامی برای ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در دانشگاه آزاد اسلامی است. در چنین حالتی راهکارهای اشاره‌شده در این پژوهش می‌تواند به ارتقای سطح همکاری‌های بین‌المللی در دانشگاه آزاد اسلامی کمک کند.

منابع فارسی

۱. آراسته، حمیدرضا (بهار ۱۳۸۵)، «همکاری‌های بین‌المللی آموزش عالی در ایران و چگونگی بهبود آن»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ج ۱۲، ش ۱.

Nether Lanes; Available at: <http://www.ipr.pt/millennivm/wit11.htm>.

16. Gibbons, Michael (2002), *Globalization and the Future of Higher Education, Globalization: What Issues Are at Stake for Universities?*, Universite Laval, Quebec Canada.
17. Knight, Jane (2003), *Les Accords Commerciaux (AGCS): Implication Pour L'enseignement Supérieur*, Dans Globalisation et Universite's: Nouvel Espace, Nouveaux Acteurs; Editions Unesco/les Presses de l'Universite' laval.
18. Litten, L.H (1980), "Marketing Higher Education: Benefist and Risks for the American Academic System", *Journal of higher Education*, Vol.5, No.1.
19. Marber, p. (1998), *From Third World to World Class: The Future of Emerging Markets in the Global Economy*, New York, Perseus book.
19. McCarty, J. (2007), " A Road Map for Creating the Global Campus", *The Chronicle of Higher Education*, Vol.53, Issue43.
20. Mok, K. H. (2007), "Qesting for Internationalization of Universities in Asia: Critical Reflection", *Journal of Studies in International Education*, Vol. 11, No. 3-4, Sage Publications.

کوشش: رضا یوسفیان املشی، تهران: دانشگاه امام حسین(ع).

۹. یمنی دوزی سرخابی (۱۳۸۰)، *درآمدی به بررسی عملکرد سیستم‌های دانشگاهی*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

منابع لاتین

10. Abel, R.L. Humes, L.Mattson, M.Mckell.K. Riley and C.Smythe (2007), *Achieving Learning Impact 2007*, in: <http://www.imsglobal.org/learningimpact2007/Ii2001>
11. Balderston, A.J. (2000), "Knowledge and university", *Innov-ative Higher Education*, Vol.26.No.1.
12. Caruuna, Viv and Jane Honstock (2003), *Internationalising the Curriculum: from Policyto Practice*.
13. Charlton, B. G. and P. Andras (2006), "Globalization in Science Education: An Evitable and Beneficial Trend", *Medical Hypotheses*, Vol. 66.
14. Fischman and Stromquist, N.P (1996), "Globalization Impacts on the Third World University", in *Higher Education: Handbook of Theory and Research*, Vol. xv. NJ: Agthon Press.
15. De Wit, Hans (2001), *Rationales for the Internationalization of Higher Education*, UniversityVan Amsterdam, The

21. Navarro, Muria (2004), Faculty Perspectives to Internationalize the Undergraduate Agricultural Curriculum.
22. Scott, Peter. Massification(1998), *Internationalization and Globalization: The Globalization: The Globalization of Higher Education*, SRHE & Open University press.
23. Scott, Peter (2000), "A Tale of Three Revolutions? Science, Society, and the University", in *Higher Education Reformed*, Falmer, London Press.
24. Stromquist, Nelly P. (2007), "Internationalization as a Response to Globalization: Radical Shift in University Environment", *Higher Education*, No.53, Springer Science & Business Media B.